



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<https://doi.org/10.22067/pg.2021.69115.1025>

مقاله پژوهشی

بررسی قابلیت‌ها و موانع توسعه استان کرمانشاه از رهیافت جغرافیای سیاسی

محمدرفوف حیدری فر (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

amirhidry123@pnu.ac.ir

داود محسنی پور (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

david_md67@yahoo.com

صص ۷۷-۵۳

چکیده

استان کرمانشاه در غرب کشور ایران قرار دارد که علی‌رغم پتانسیل‌های متعدد خود مانند مرز طولانی، مرکزیت غرب کشور، اقلیم، خاک، پوشش گیاهی مناسب، منابع آب سطحی و زیرزمینی، نیروی کار فراوان، تمدن غنی و آثار تاریخی و باستانی قبل و پس از اسلام، جاذبه‌های گردشگری و ذخایر طبیعی و معدنی فراوان، منابع فسیلی مانند نفت و گاز و ...؛ از نظر سطح توسعه در شرایط مطلوبی قرار ندارد. سؤال اصلی پژوهش این است که چرا تمامی پتانسیل‌های فوق‌نواسته استان کرمانشاه را به سطح استاندارد از توسعه برساند؟ کدام موانع استان را از توسعه عقب نگاه داشته و راه‌حل غلبه بر آن چیست؟ هم‌چنین بهره‌مندی هر یک از شهرستان‌های استان از میزان توسعه چقدر است و چه رابطه‌ای با فاصله از مرکز استان دارد؟ برای پاسخ دادن به سؤالات فوق، از داده‌ها و اطلاعات آماری و توصیفی، منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و نظریات کارشناسان استفاده شد و داده‌های به‌دست‌آمده بر اساس مدل‌ها و روش‌های آماری مانند همبستگی اسپرمن، مدل تحلیل سلسله مراتبی و تحلیل سوات ترکیبی، شاخص HD در نرم‌افزارهای اکسل و SPSS و ARC GIS تحلیل گردید. نتایج نشان داد مهم‌ترین مانع توسعه استان عدم اختصاص بودجه، نبود صنایع زیربنایی و عدم سرمایه‌گذاری از جانب دولت و سایر بازیگران غیردولتی است، هم‌چنین بهترین استراتژی برای مقابله با شرایط موجود برنامه‌ریزی دولت و بخش‌های خصوصی در راستای احیای کارخانه‌های تعطیل و نیمه تعطیل، احداث تأسیسات زیربنایی، دریافت بودجه و جذب سرمایه‌گذار خارجی است، تا بتوان کل استان را به سطح مطلوبی از توسعه رساند. زیرا توزیع شاخص‌های توسعه انسانی در استان به‌طور یکسان صورت نگرفته است و عموماً شهرستان‌های غربی استان از نظر توسعه محروم‌تر هستند و این مسئله رابطه‌ای با بعد مسافت از مرکز استان ندارد.

واژگان کلیدی: قابلیت‌ها و موانع، توسعه، استان کرمانشاه، سوات ترکیبی، همبستگی اسپرمن، شاخص توسعه انسانی.

۱. مقدمه

توسعه فرآیندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمام جمعیت بوده و توزیع عادلانه منابع از ارکان اصلی آن است. کاهش نابرابری فضایی و رفع دوگانگی اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی مورد توجه است زیرا عدم توازن در جریان توسعه میان مناطق گوناگون موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای و فضایی می‌گردد که خود مانعی در مسیر توسعه ملی محسوب می‌شود (Faraji Sabokbar, 2013: 115). به عبارت جامع‌تر عدم توجه به توسعه متوازن منطقه‌ای و ناحیه‌ای منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه می‌گردد (Khakpoor & Bavanpoori, 2009: 388). وقتی سخن از توسعه به میان می‌آید، باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد (Todaro, 2012: 235). از آنجائی که هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست (Manochehri and Shia, 2013: 75). دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است. این مهم در گروه شناخت جامع و آگاهی دقیق از امکانات، فرصت‌ها، توان‌ها و محدودیت‌هایی است که در رسیدن به وضع مطلوب وجود دارد (Taghvaei et al, 2011: 16). میزان توسعه‌یافتگی در همه جوامع به یک اندازه نبوده است، یعنی در واقع نقش و وزن هر یک از عوامل در هر ناحیه با ناحیه دیگر متفاوت است. شدت و ضعف میزان توسعه‌یافتگی وابسته به عوامل متعددی چون پتانسیل‌ها و موانع هر ناحیه جغرافیایی، به‌کارگیری اندیشه صاحب‌نظران در امر توسعه، میزان توجه دولت و ... دارد. در فرایند توسعه ملی، منطقه‌ای و حتی استان و یک شهر نیز که آرمان هر ملتی می‌باشد عوامل متعددی نقش داشته که نقش برخی از آن‌ها مثبت بوده و به‌عنوان قابلیت‌های توسعه از آن یاد می‌شود و برخی دیگر که داری نقش منفی هستند به‌عنوان عوامل و موانع توسعه در نظر گرفته شده‌اند. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه از نظر سطح توسعه‌یافتگی در وضعیت مطلوبی نبوده و جزو کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، این سطح از روند توسعه نیز در همه نقاط به شکل یکسان مشاهده نمی‌شود. عموماً در سطح کشوری، هرچه از پایتخت دور شویم، میزان توسعه‌یافتگی کاهش می‌یابد. این مسئله در مورد استان‌های واقع در غرب و جنوب شرق ایران بیش از هر جای دیگر مشهود است، استان کرمانشاه نیز که در منطقه غرب کشور واقع است؛ علی‌رغم پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالایی که دارد اما از محروم‌ترین استان‌های کشور است. مسئله‌ای که نمی‌توان به‌راحتی از آن چشم پوشید و بررسی آن، ضرورتی مهم به شمار می‌آید. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن استخراج کلیه شاخص‌های مؤثر بر توسعه استان کرمانشاه، به تعیین جایگاه و نقش هر یک از آن‌ها در میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه بپردازد و ضمن شناسایی محدودیت‌ها و قابلیت‌های توسعه استان، راهبردهایی به‌منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای ارائه دهد تا از این رهگذر گامی در جهت توسعه متوازن و یکپارچه استان برداشته شود. در واقع نابرابری و کم‌توجهی به استان کرمانشاه به‌رغم توان‌های

محیطی (انسانی و طبیعی) و نقش عامل مرز از جمله مسائل مهمی است که از دید جغرافیای سیاسی حائز اهمیت است. استان کرمانشاه از نظر موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک در جایگاه ارزشمند و مهمی قرار دارد و محذب بودن مرز، جمعیت بالا، همسایگی با کشور عراق، فاصله کوتاه با بغداد و... همانند عوامل و فاکتورهای عمل می‌کنند که مثل بازی دمی‌نو بحران‌ها، مخاطرات و تهدیدات را به داخل ایران منتقل می‌کند و از این حیث شایستگی توجه دولتمردان را جهت برطرف کردن مشکلات و بحران‌ها را دارد تا از این رهیافت مسیر توسعه نیز هموار شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

گرایش توسعه بعد از جنگ جهانی دوم به حوزه مطالعات اقتصادی معرفی شد. این شاخه از علم اقتصاد، شاهد بیشترین تحولات در طول عمر ۶۰ ساله خود بوده است. توسعه تا اواسط دهه ۶۰ میلادی معادل رشد اقتصادی تلقی می‌شد. در طول دهه ۱۹۷۰، توسعه از طریق میزان کاهش فقر، نابرابری و بیکاری اندازه‌گیری می‌شد (Fahtolahi et al, 2017: 101). توسعه، فرایند دگرگونی و استحاله چندجانبه و دامنه‌داری است که وجوه گوناگون زندگی انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و رشد و گسترش منابع مادی، اخلاقی و فکری جامعه را دربر می‌گیرد (Amin Bidokht, 2006: 17).

ریشه‌های شکل‌گیری توسعه به سخنرانی مشهور ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۴۹ برمی‌گردد. به لحاظ تاریخی چندین عامل همسو سبب شد تا توسعه به‌عنوان پروژه جهانی مطرح شود. یکی از این عوامل، جنگ جهانی دوم و گفتمان آزادی‌خواهی و دموکراسی آن در برابر فاشیسم و دیگری بازسازی پس از جنگ جهانی دوم بود که توجه فکری برای استعمار را تضعیف می‌کرد. در افکار صاحب‌نظران توسعه، تعابیر مختلفی از توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی-اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد. در تحلیل و تبیین توسعه و توسعه‌نیافتگی نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه اقتصادی رشد و توسعه، نظریه جامعه‌شناسی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسااستعمارگرایی، پساتوسعه‌گرایی، پسااستعمارگرایی و همچنین نظریه توسعه طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازد. نظریه نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند. اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه ناحیه‌ای را تحت تأثیر دو عامل سازوکار تعادل و جابجایی می‌دانند که در بلندمدت موجب جریان بین نواحی در یک سرزمین و یا کشور، و ایجاد نوعی تعادل بین ناحیه‌ای می‌شود. نئوکینزی‌ها توسعه را وابسته به صادرات می‌دانند و با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیرپایه، معتقدند که توسعه نواحی از بخش پایه نشأت می‌گیرد و سایر فعالیت‌ها زائیده فعالیت‌های بخش پایه است (NazmFar et al, 2015: 232-233).

امروزه توسعه به معنای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر متفع می‌گردند (Roknodin, Eftekhari et al: 2009: 89). مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورهاست، اصولاً توسعه به‌منزله تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه محسوب می‌شود (Zarabi, et al, 2017: 26). توسعه فرایندی همه‌جانبه است که در تحقق آن عوامل و متغیرهای مختلف محیطی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دخیل هستند (Ghalibaf et al, 2009: 7). کشورها برای رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه و پیشرفت ناگزیرند از حداکثر توان‌های طبیعی و انسانی خود استفاده کنند اما در کشورهای در حال توسعه فرایند توسعه غالباً نامتوازن است؛ به طوری که توسعه نامتوازن را می‌توان یکی از شاخص‌های کشورهای در حال توسعه معرفی کرده‌اند. توسعه عبارت است از ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعی در جهت رفع نیازهای محسوس جامعه، افزایش بهره‌برداری از امکانات و قابلیت‌های اجتماعی در جهت رشد و تعالی جامعه (Asaiesh, 2004: 9). برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی نواحی مختلف هر کشور، روش‌های گوناگونی وجود دارد که هر یک معایب و محاسنی دارند. کمبود آمار و اطلاعات و نارسایی آن‌ها و نیز وجود شاخص‌های متعدد و پراکنده در موارد بسیاری باعث سردرگمی و تردید در امر شناسایی نواحی و تعیین میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها می‌شود؛ از این رو ترکیب منطقی آن‌ها برای تسهیل در امر تصمیم‌گیری، لازم و ضروری است. البته هرگونه ادغام باید بر اساس ضوابط علمی و رعایت نکات لازم انجام پذیرد تا شاخص‌ها را به‌اندازه کافی، گویا و معنادار سازد (Hosein Zadeh Dalir, 2014: 181).

یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق است. نابرابری‌های منطقه‌ای در بسیاری از کشورها، به‌عنوان چالشی اساسی در مسیر توسعه تلقی می‌گردد. به‌ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو آن‌ها، مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها برای رسیدن به توسعه پایدار متعادل و متوازن، تهدیدی جدی است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را (که از اهداف نهایی پایداری و سلامت کلی است) دشوار می‌کند. چراکه هماهنگی ملی و بخشی با واقعیات منطقه‌ای ضروری است. همچنین لازم است که در چارچوب سیاست‌های توسعه کلی، به توسعه منطقه‌ای نیز توجه شود تا از این رهگذر، بتوان سیاست کلان را با قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه سازگار کرد (Sardar Shahraki, 2012).

نظریه‌های توسعه را برحسب اینکه روی کدام عامل تأکید بیشتری دارند می‌توان به دسته تقسیم کرد (Saeed, 2009: 2).

۱- نظریه‌های که اولویت را به عامل فرهنگی می‌دهند (وبر-تونیس-کنت و ...).

۲- نظریه‌های که روی عوامل اقتصادی تأکید بیشتری دارند (مارکس-وستو-لوئیز-نورک-هیرشمن).

۳- نظریه‌های که بر روی عوامل سیاسی اولویت قائل هستند (نظریه‌های رادیکال-وابستگی-فرانک-امین و ...).

۴- نظریه‌های که بر انفکاک و تخصصی شدن ساختارهای نظام اجتماعی تمرکز دارند (ویر-دورکه‌هایم اسپنسر - پارسونز و...).

از مهم‌ترین معیارهایی که برای توسعه استفاده می‌شود، شاخص توسعه انسانی می‌باشد. این شاخص ترکیبی است که برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی بکار می‌رود: زندگی طولانی و سالم دسترسی به دانش و معرفت، سطح زندگی مناسب (اشتغال و بیکاری). شاخص توسعه انسانی (HDI) چکیده اندازه‌گیری‌های توسعه انسانی است. این شاخص میانگین موفقیت‌های به دست آمده در یک کشور در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی و سالم، دستیابی به دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه را اندازه می‌گیرد (Gharabaghian, 2004: 8). دیگر تعاریف توسعه از دیدگاه محققان و فرهنگ‌های لغات، به اختصار عبارت‌اند از:

توسعه روندی متشکل از سیستم‌ها، مکان، موضوع و انسان است که از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر می‌یابد؛ این روند، بر دوره‌های دلالت دارد که ضمن تغییر، در جهت رشد یا بهبود تداوم پیدا می‌کند. عمل یا فرآیندی که حاکی از پیشرفت کردن است. حالت و چگونگی فرآیند پیشرفت است؛ گشایش تدریجی یا رشد و تکامل (Chambers, 2014). توسعه فرآیندی در حال گذار، بالفعل و درعین حال یک وضعیت پتانسیل است. موفقیت فرآیند توسعه، مردم را در جوامع خود، برای ساختن تاریخ و جغرافیای خود، انتخاب‌گر، توانا و قادر ساخته است. فرآیند توسعه از راه بهبود شرایط زیست انسانی مشخص و تعیین می‌شوند (Alisdair, 2013). هیرشمن معتقد است توسعه فرآیندی محافظه‌کار، کلی، هماهنگ با ماهیت درون‌زا است، هرچند ممکن است با کمک‌های خارجی تداوم پیدا کند. توسعه به محرک نیازمند است و شرایط تکنولوژیک و سازماندهی مناسب را طلب می‌کند (Fani, 2014: 26).

تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی-اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد. در واقع توسعه یک روند تکاملی و درعین حال سیستمی است که همه جوانب زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بی‌توجهی به جوانبی از توسعه، کل فضای توسعه را متأثر می‌سازد. اهمیت دادن به جوانب مختلف توسعه در واقع نخستین و مهم‌ترین هدف تمامی دولت‌ها محسوب گردیده و نظریه‌پردازان، دیدگاه‌های مختلفی را برای دستیابی به توسعه مطرح کرده‌اند. هریک روی عامل‌هایی تأکید بیشتری دارند (اسماعیل‌زاده و همکاران به نقل از (Saie, 2007: 2)).

در جهان امروز، اصطلاح پایداری و توسعه پایدار، فراتر از مرزهای توسعه علم و اقتصاد، ارزش‌ها و تفاوت‌های فرهنگ بشری یعنی توسعه انسانی را در بر گرفته است. افزون بر این، مفاهیم دیگری مانند اهمیت برابری جنسیتی،

مشارکت و تصمیم‌سازی‌های محلی و شهری، دسترسی به آموزش و بهداشت و ... تاکید خاصی دارد (Arabi et al, 2004: 44).

با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار مفهوم عدالت همواره از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین ارکان آن بوده است. مسئله مهم در برقراری توسعه پایدار، توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماعی در بستر برنامه‌ریزی است. از اوایل قرن نوزدهم، تفاوت میان نحوه درآمد در نقاط مختلف، نظریه‌پردازان را به ارائه فرضیه‌هایی پیرامون پیدایش نابرابری، واداشته است. مفهوم توسعه به‌هیچ‌وجه مفهومی واضح نیست. به همین جهت توسعه‌هنگامی معنای در دسترس دارد که در حیطه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح است؛ بر این اساس توسعه در معنایی کلی به تحول در چهار زیرمجموعه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد (Akhbari et al, 2015). می‌توان گفت که توسعه فرایندی پیچیده و چندبعدی است که مستلزم تغییر در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر و برقراری عدالت اجتماعی و پایداری محیط می‌باشد (Todaro, 2012: 22). توسعه در نقاط مرزی باید اهداف متنوعی چون کمک به افراد اجتماع محلی برای شناسایی و برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خودشان، حل مسائل محلی، ترویج دموکراسی و ایجاد حس اجتماع محور، ایجاد تغییرات مثبت در زندگی و تقویت بافت اجتماعی (Eversole, 2014: 2)، بهبود کیفیت زندگی اجتماعی محلی (Mohammad and silong, 2015: 5) برآورده کردن نیازهای روزمره و ایجاد رفاه و آسایش انسانی، ایجاد اعتماد به نفس و روحیه زندگی اجتماع محور در بین مردم، ایجاد انسجام در اجتماع محلی، فراهم کردن محیطی جذاب، پشتیبان و کارآمد با حداکثر دامنه انتخاب فردی برای جایی که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند، توانمند ساختن اجتماعات محلی به حاشیه رانده شده با ظرفیت‌سازی، ایجاد اعتماد و پایداری شبکه‌های موجود در اجتماع محلی و بازسازی ساختارهای فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی آن (Zel et al, 2014: 6) را دنبال می‌کند. مسئله ارتباط مرز با امنیت و حفظ آن یک مسئله بسیار مؤثر و مهم تلقی می‌گردد. به همین دلیل در نظر حاکمان و دولت‌ها برای حفظ امنیت و حفظ تمامیت ارضی، مسئله مرز از موقعیت و وزن استراتژیکی فراوانی برخوردار است و هرگونه اقدام و عملی که در جهت امنیت برنامه‌ریزی شود ولی ساختار مرز در این طرح‌ها اندیشیده نشود، تفکر امنیت بی‌معنا خواهد بود به همین دلیل صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مختلفی به بیان تئوری‌ها و دیدگاه‌ها در زمینه امنیت و توسعه در مناطق و شهرهای مرزی پرداخته‌اند (Saadati Jafar Abadi, 2012: 1277). برقراری امنیت مناطق، مرزی تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده و در صورت برقراری امنیت در این مناطق است که پایه‌های توسعه پایداری ملی به دست می‌آید (Sedigh et al, 2016: 2). تأمین امنیت مرزها نه تنها باگذشت زمان از اهمیت آن کم نشده بلکه معیارها و مسائل جدیدی نیز به آن اضافه گردیده است. در حقیقت آنچه امروزه همه درباره آن متفق‌القول هستند این است که داشتن مرزهای مطمئن و امن در اجرای سیاست حسن هم‌جواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و

هدایت‌کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار می‌باشد و پیچیدگی مسائل مرزی در عصر کنونی ضرورت توجه به ابعاد گوناگون آن را خصوصاً از بعد امنیتی بیشتر نمایان می‌سازد. علاوه بر این تأثیرات مستقیم و گسترده مرزهای هر کشور به استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی و غیره آن کشور، اهمیت پرداختن به تأثیرات امنیتی مرزها را آشکار می‌سازد. اما نکته‌ای که باید در نظر داشته باشیم این است که؛ یکی از مسائلی که همیشه با مرز مطرح می‌باشند، حفظ امنیت و راه‌های وصول به آن است که همواره دچار تحول می‌شود (Mostafaei, 2012: 2233). در این راستا، امنیت زمینه‌ساز و بسترساز توسعه پایدار به‌خصوص در مناطق مرزی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است و خود از آن تأثیر می‌پذیرد (Sarwar et al, 2012: 27).

۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات عمده در زمینه این موضوع صورت گرفته که هر کدام بنابر اطلاعات و داده‌هایی که در اختیار داشته‌اند بخشی از توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند:

خاکپور و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی شاخص‌های توسعه استان کرمانشاه بر اساس تکنیک‌های ادغام پرداخته و از ۴۰ شاخص قابل سنجش با روش‌های آنتروپی و تصمیم‌گیری چندمعیاره (ویکور، تاپسیس و saw) و مدل کپلند استفاده کرده‌اند. بر این اساس ۱۴/۲۹ درصد شهرستان‌ها توسعه‌یافته ۳۵/۷۱ درصد نسبتاً توسعه‌یافته، ۳۵/۷۱ درصد در حال توسعه و ۱۴/۲۹ درصد محروم از توسعه هستند که نشان‌دهنده اختلاف بین شهرستان‌ها از نظر برخورداری از شاخص‌هاست و بیانگر آن است توزیع شاخص‌های توسعه بر اساس میزان جمعیت شهرستان‌ها انجام نشده است.

ایزدی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود که با عنوان نقش امنیت در توسعه پایدار شهرهای مرزی در تربت‌جام انجام داده است به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین عواملی که باعث بروز و یا کاهش ناامنی در سطح محدوده مورد مطالعه هستند عبارت‌اند از هم‌جواری با کشور افغانستان، بیکاری یا نداشتن شغل دائمی برای شهروندان، بحران کم‌آبی و یا خشک‌سالی، عدم وجود حاکمیت قدرتمند در کشور افغانستان، نداشتن سطح تحصیلات بالا و کنترل عادی خط مرزی. از جمله راه‌کارهایی که برای برقراری هر چه بهتر امنیت پایدار در این شهر مرزی مطرح می‌شود می‌توان به ارتباط سیاسی بیشتر با کشور افغانستان، ایجاد پایگاه‌های مرزی بیشتر، نظارت بیشتر نیروی انتظامی، ایجاد وحدت و همگرایی، ایجاد سرمایه‌گذاری برای رفع بیکاری، تشویق و حمایت از طرح‌های کارآفرینی و اشتغال‌زا و... اشاره نمود.

ضرابی و همکاران (۱۳۹۶)، به تحلیل فضایی و اولویت‌بندی استان‌های ایران به‌منظور برنامه‌ریزی و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداختند. نتایج نشان می‌دهد میان استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی فناوری اطلاعات و ارتباطات، تا حدودی عدم تعادل و ناهمگونی وجود دارد. در مجموع استان‌های کشور از لحاظ شاخص‌های فناوری اطلاعات و

ارتباطات در سطح مطلوبی نیستند و بالاترین سطح توسعه‌یافتگی متعلق به استان تهران است که با ضریب توسعه‌ای معادل کمی بالاتر از ۰/۵ در وضعیت نیمه توسعه‌یافته به سر می‌برد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای که با عنوان اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی (مطالعه موردی: استان کردستان) انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت توسعه امنیت پایدار استان کردستان از الگوی تهاجمی (SO) تبعیت می‌کند. با توجه به تعریف این الگو، باید راهبردهایی رو اتخاذ کرد که با بهره‌گیری از نقاط قوت درصدد بهره‌برداری از فرصت‌ها برآییم و بتوان به توسعه پایدار امنیت دست‌یابیم. درنهایت از روش QSPM با توجه به شرایط فعلی، به اولویت‌بندی راهبردها مناسب در جهت آمایش مناطق مرزی مشخص گردید. یافته‌های حاصل از اولویت‌بندی راهبردها نشان می‌دهد که از بین راهبردهای تدوین‌شده بالاترین جذابیت مربوط به آماده‌سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی‌های احتمالی با نمره ۶/۶۵ است و پایین‌ترین جذابیت به راهبرد مبارزه با اشرار و قاچاقچیان در سطح استان با نمره ۵/۱۵ تعلق دارد.

سرور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای که با عنوان بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی) انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های توسعه در میان شهرستان‌های این استان به صورت متعادل توزیع نشده است و شهرستان‌های پیران شهر، سردشت و ارومیه به ترتیب در جایگاه اول تا سوم از لحاظ برخورداری از این شاخص‌ها دارای وضعیت فرا برخوردار می‌باشند. در مقابل، شهرستان‌های ماکو، اشنویه و چالدران دارای وضعیت نا برخوردار از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه می‌باشند. همچنین، با توجه به نتایج روش تاپسیس از لحاظ برخورداری از شاخص‌های آموزشی شهرستان سردشت، شاخص‌های اجتماعی اشنویه و نیز شاخص‌های اقتصادی و کالبدی شهرستان ارومیه در جایگاه نخست قرار گرفته‌اند. رتبه‌بندی شهرستان‌ها در این پژوهش می‌تواند در بهینه‌سازی وضع موجود و ساماندهی سطوح توسعه و امنیت پایدار در این استان مؤثر باشد.

رضازاده و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای که با عنوان اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب/ مرز خراسان جنوبی با افغانستان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بین ایجاد اشتغال و تأمین امنیت در منطقه ارتباط معناداری وجود دارد و توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت، بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد.

سرور و موسوی (۱۳۹۰): در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی توسعه پایدار شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از ۵۰ شاخص در زمینه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی_درمانی، زیربنایی،

حمل و نقل و ارتباطات و کالبدی پرداختند، مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس، ضریب آنتروپی است نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شهر ارومیه با دارا بودن $33/8$ درصد از جمعیت شهری استان در سطح توسعه خیلی بالا قرار گرفته است. شهرهای میاندوآب، نقده، سلماس پیرانشهر، سیه چشمه و سردشت با دارا بودن $21/9$ درصد جمعیت شهری استان در سطح توسعه متوسط قرار گرفته‌اند و گروه بعدی توسعه یعنی توسعه پایین شامل شهرهای ماکو، شاهین‌دژ، قره ضیال‌الدین، محمدیار و تکاب، بازرگان، اشنویه و آوجیق است که $11/2$ درصد از جمعیت شهری استان را شامل می‌شوند. که در حالت کلی می‌توان گفت که اکثر شهرهای استان در سطح توسعه پایین قرار دارند به گونه‌ای که از 36 شهرستان 18 شهر $5/7$ درصد از جمعیت شهری در این سطح از توسعه قرار دارند و در نهایت به لحاظ توسعه الگوی فضای ناحیه‌ای در پهنه استان از الگوی مرکز-پیرامون پیروی می‌کند.

زنگی‌آبادی، علی زاده و احمدیان (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی و تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از مدل‌های تاپسیس و AHP بر اساس ۸ شاخص بهداشتی-درمانی با روش توصیفی و تحلیلی پرداختند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهرستان تبریز با توجه به اینکه مرکز اداری-سیاسی استان می‌باشد از لحاظ شاخص‌های بهداشتی-درمانی در رتبه نخست قرار گرفته است در این بین شهرستان اسکو با اندک فاصله از شهرستان تبریز در مرتبه دوم واقع شده است که از رتبه‌های بعدی فاصله چشمگیر گرفته‌اند. شهرستان ملکان در این سطح بندی رتبه آخر را کسب کرده و با توجه به شاخص‌های بهداشتی-درمانی در شرایط نامناسبی نسبت به سایر شهرستان‌های استان قرار گرفته است

یانگ جان لی و چینگ مینگ‌هانگ (۲۰۰۷)، با بررسی پایداری برای تایی (منطقه‌ای در چین) با انتخاب ۵۱ شاخص به این نتیجه رسیده که شاخص‌ها از نظر پایداری یکسان نیستند. شاخص‌های محیطی و اجتماعی به سمت پایداری حرکت می‌کنند در حالی که شاخص‌های اقتصادی و نهادی به‌طور نسبی ناپایدارند. در کل شاخص‌های مورد بررسی در بحث پایداری نشان از حرکت به سمت پایداری نسبی به ۱۱ سال گذشته را دارند.

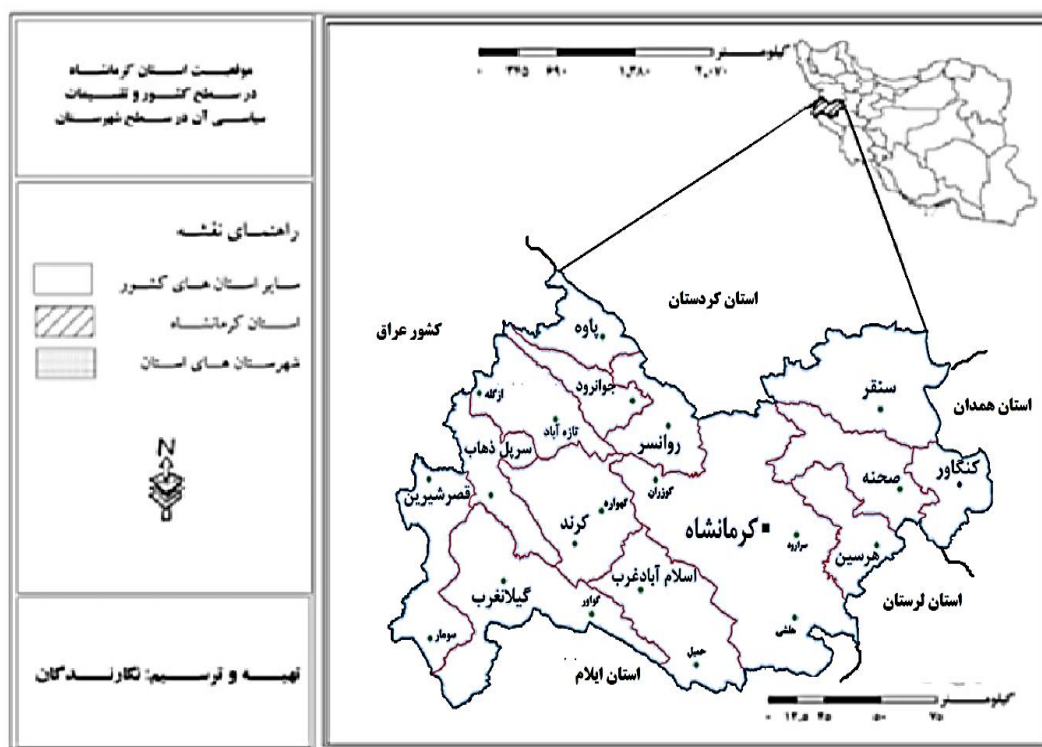
مریام نوری (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری توسعه پایدار، نتایج حاصل از یک تحلیل در ۸ بعد توسعه پایدار را در فرانسه مورد مطالعه قرار داده است. وی بر این واقعیت تاکید می‌کند که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد. و با توجه به این تحقیق شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دهند و به نظر وی در طی سال مورد بررسی، حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است.

باهتیا و رای (۲۰۰۴)، در پژوهشی با استفاده از ۲۳ شاخص، به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هلند پرداخته‌اند. در این پژوهش یک بار را کل ۳۲ شاخص سطح توسعه بلوک‌ها تعیین شده، به طوری که ۴۳ بلوک توسعه یافته، ۱۸۷ بلوک نسبتاً توسعه یافته و ۳۲ بلوک توسعه نیافته بودند. سپس با ر

دیگر با ۱۲ شاخص مربوط به بخش خدمات و رفاه اجتماعی این بخش را به لحاظ توسعه رتبه‌بندی نموده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که ۵۶ بلوک توسعه‌یافته، ۱۵۶ بلوک نسبتاً توسعه‌یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه‌یافته و ۵۲ بلوک توسعه‌نیافته معرفی شده‌اند. در ادامه این پژوهش پیشنهاد‌های چند در جهت کاهش این اختلاف توسعه در مناطق مورد مطالعه ارائه داده‌اند.

۴. معرفی منطقه مورد مطالعه

استان کرمانشاه با مساحتی حدود ۲۵۰۰۸ کیلومتر مربع در ناحیه غربی ایران واقع شده است. که شامل ۱۴ شهرستان، ۳۵ شهر و ۳۲ بخش و ۸۶ دهستان است (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۲). از شمال به استان کردستان، از شرق و جنوب شرق به استان‌های همدان و لرستان، از جنوب به استان ایلام و از غرب با دولت منطقه‌ای فدرال کردستان همسایه است (شکل ۱)



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه

۵. روش تحقیق

این پژوهش از روش‌های توصیفی-تحلیلی و همچنین اطلاعات کیفی و کمی بهره برده است. شاخص‌های موردبررسی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی می‌باشد. اطلاعات اولیه (شامل متغیرهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و انسانی نظیر مرز، دولت، دوری از پایتخت، محدب بودن مرز، بیکاری، بودجه و نابرابری، سرمایه‌گذاری، مسیرهای ارتباطی و...) به‌دست‌آمده برای پژوهش از سالنامه‌های آماری و وب سایت‌های دولتی بر اساس نیاز انتخاب شده است. در راستای پژوهش برای بررسی مسئله در قالب اهداف موردنظر، روش‌های آماری و ریاضی به‌کاررفته و همچنین از مدل‌های تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، شاخص توسعه انسانی (HDI) و سوات ترکیبی استفاده شده است. بخشی از نتایج نهایی محاسبات نیز در قالب نقشه و داده در نرم‌افزار EXPERT EXCEL, ARC GIS و CHOICE ترسیم و بررسی گردید. لازم به ذکر است جهت اشراف بر برخی از مسائل تجربی و عینی پژوهش از گروه کارشناسان تحت عنوان کارگروه خبرگان که شامل ۱۰ کارشناس و هم‌چنین ۳۵ شهروند می‌باشد استفاده شد. کلیه جامعه آماری اعم از کارشناسان، شهروندان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های جغرافیای شهری، سیاسی، علوم سیاسی، شهرسازی، مدیریت و اقتصاد هستند که به پرسش‌نامه‌های طراحی شده بر مبنای طیف‌های ساتی و لیکرت پاسخ داده‌اند.

۶. یافته‌ها

بررسی یافته‌های تحقیق در قالب سه مسئله محوری مطرح است که در آن روند توسعه استان کرمانشاه محوریت اساسی را داراست.

الف) بررسی موانع توسعه استان کرمانشاه

برای شکل‌گیری یک توسعه پایدار باید به پتانسیل‌های موجود توجه نمود و موانع را از سر راه فرایند توسعه زدود. توسعه، ابعاد متنوعی داشته و از دیدگاه کارشناسان به توسعه انسانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تقسیم می‌شود. برای بررسی مسئله؛ تمام عواملی که می‌تواند مانع توسعه شود به کمک مطالعات پیشین (مقالات، کتب و ...) استخراج گردید و متناسب با موقعیت استان کرمانشاه اصلاح و یا به آن اضافه شد. سپس در قالب پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت تنظیم و در اختیار جامعه هدف (کارشناسان و شهروندان) قرار گرفت. پس از دریافت پرسش‌نامه‌های تکمیل شده به روش مقایسه دوجه‌دویی بر اساس طیف ساتی، وزن ماتریس اولیه و ثانویه در اکسپرت چوینر محاسبه و وزن نهایی برای هر یک از عوامل با ضرب وزن‌های دو ماتریس محاسبه شد (جدول ۱).

جدول ۱. وزن نهایی موانع مؤثر برگرداندن روند توسعه استان کرمانشاه

محل	اقتصادی	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	انسانی
A1	۰/۰۰۳۷۸۸	۰/۰۰۴۰۹۹	۰/۰۰۳۳۹۴	۰/۰۰۰۱۳۷	۰/۰۰۰۲۱۶
A2	۰/۰۰۰۹۰۵	۰/۰۰۰۱۰۸۳	۰/۰۰۰۳۳۹۴	۰/۰۰۰۱۱۱۷	۰/۰۰۰۴۷۵
A3	۰/۰۰۱۴۰۰۹	۰/۰۰۳۱۹۳۳	۰/۰۰۰۳۷۷۵	۰/۰۰۰۳۲۴	۰/۰۰۰۳۸۱
A4	۰/۰۰۲۴۹۴۲	۰/۰۰۳۳۱۱۵	۰/۰۰۰۵۵۵۸	۰/۰۰۰۳۳۳۱	
A5	۰/۰۰۱۵۰۹۵	۰/۰۰۲۱۶۸۳	۰/۰۰۰۱۵۰۷	۰/۰۰۰۲۵۱	
A6	۰/۰۰۱۹۲۲	۰/۰۰۳۳۴۳۱	۰/۰۰۰۸۸۱		
A7	۰/۰۰۱۴۹۱۴	۰/۰۰۲۱۶۸۳	۰/۰۰۰۳۷۷۸		
A8	۰/۰۰۴۴۹۹	۰/۰۰۵۷۲	۰/۰۰۳۳۰۹		
A9	۰/۰۰۵۰۶۸	۰/۰۰۳۳۴۳۱	۰/۰۰۰۳۷۷۵		
A10	۰/۰۰۱۲۹۳۱		۰/۰۰۰۳۲۰۹		
A11	۰/۰۰۱۵۹۴۲		۰/۰۰۰۵۵۱۵		
A12	۰/۰۰۱۳۵۸		۰/۰۰۰۳۳۱۹		
A13	۰/۰۰۴۴۵۳		۰/۰۰۰۵۵۵۸		
A14	۰/۰۰۳۳۹۴۹		۰/۰۰۰۴۱۹۵		
A15	۰/۰۰۲۴۲۹		۰/۰۰۰۵۸۳۷		
A16	۰/۰۰۱۵۳۷۵				
A17	۰/۰۰۰۸۳۱۶				
A18	۰/۰۰۱۵۰۰۳۳				
A19	۰/۰۰۱۳۹۰۱				
A20	۰/۰۰۰۷۹۲۷				

بر اساس وزن‌های به دست آمد، پنج مانع مهم شناسایی شد که عبارت‌اند از:

- عدم تخصیص بودجه مناسب و کافی
- نبود صنایع مادر جهت اشتغال دائم
- نبود کارخانه‌های بزرگ
- بیکاری بیش از حد
- مشکلات در جذب سرمایه‌گذاری و تسهیلات داخلی و خارجی

تمام عوامل اولویت‌بندی شده منطبق بر عامل اقتصادی است، هم کارشناسان و هم جامعه نمونه تحصیل‌کردگان استانی معتقدند که موانع اقتصادی باعث توسعه‌نیافتگی استان شده‌اند؛ یعنی بعد اقتصادی در توسعه استان ضعیف‌تر از سایر بخش‌ها عمل کرده است. در واقع توزیع ناعادلانه فاکتورهای اقتصادی به گونه‌ای بوده که اقتصاد کرمانشاه را به یک اقتصاد غیر پویا و ناسالم تبدیل کرده است. نابرابری‌های اقتصادی نسبت به کرمانشاه و به‌طور کلی غرب کشور مسئله‌ای جدیدی نیست. عوامل فراوانی موجب کاهش رشد اقتصادی استان شده است، عموماً دوری از پایتخت موجب کاهش توجه مسئولین شده، استان کرمانشاه با آنکه مانند استان آذربایجان شرقی و یا اردبیل یک استان مرزی است (موقعیت این استان‌ها نیز دور از مرکز است) اما از لحاظ توجه مسئولین سهم بسیار اندکی دارد. بر اساس نظرسنجی از جامعه نمونه کارشناسان این عامل با مقدار ۰/۲۸، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. با نگاهی به بودجه استان‌های کشور، مشخص شد که بودجه کرمانشاه طی سال ۱۳۹۸ برابر با هفت هزار و شش صد و شش میلیارد تومان بوده است که با توجه به پروژه‌های

نیمه‌تمام، نبود زیرساخت‌های کافی، پروژه‌های پیش‌بینی‌شده، وضعیت بیکاری در استان و سایر موارد، هرگز جواب‌گویی نیازهای استان کرمانشاه نخواهد بود. این در حالی است که برخی از استان‌ها که از نظر صنعتی و کشاورزی در وضعیت بسیار مطلوب‌تری هستند و بودجه بسیار بیشتری نسبت به کرمانشاه دریافت کرده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که با وقوع زلزله سال ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه که منجر به ویرانی بخش‌های وسیعی از غرب استان شد اما بودجه تصویب‌شده برای سال ۱۳۹۷ تنها ۲۵۰۰ میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که با توجه به شرایط پیش‌آمده انتظار می‌رفت بودجه استان در این سال و سال بعدی به مراتب و به میزان چشم‌گیری افزایش یابد. ذکر این نکته ضروری است که با وقوع این زلزله میزان توسعه‌یافتگی استان از آنچه بود وخیم‌تر گردید زیرا صنایع چند بخش از دو شهرستان دچار آسیب جدی شده و از چرخه تولید خارج شدند، مسکن و خدمات شهری نابود شد و چهره فضای شهری در سرپل ذهاب و ازگله و.. از میان رفت. عامل دیگر که مانع اصلی توسعه در استان به شمار می‌رود، فاکتور A14 با مقدار ۰,۰۲۶۹ مربوط به عدم وجود صنایع مادر است. استان کرمانشاه با داشتن ۳۷۱ کیلومتر مرز مشترک با دولت فدرال کردستان و دولت عراق و داشتن سه مرز رسمی و ۴ بازارچه توان صادراتی فوق‌العاده‌ای دارد و چه‌بهرتر که سود این صادرات با تولیدات در داخل استان به حداکثر برسد اما علی‌رغم پتانسیل‌های موجود استان کرمانشاه در این راستا موفق نبوده است، زیرا صنایع مادر در استان که لوکوموتیو حرکت بسیاری از صنایع محسوب می‌شوند. استان کرمانشاه علی‌رغم اینکه از نظر معادن، منابع آبی (که برای برخی از صنایع به‌ویژه فولاد ضروری است)، نفت و گاز و .. در وضعیت مطلوبی است اما فاقد صنایع مادر است و این مسئله باعث شده میزان اشتغال در استان بسیار پایین باشد (به‌طور مثال در استان ۳ پتروشیمی بیستون، اوره آمونیاک و پلیمر کرمانشاه وجود داشته و فعال هستند، اما محصول فراوری‌شده از این شرکت‌ها بدون آنکه به محصول نهایی تبدیل شود به استان‌های دیگر ارسال می‌گردد. زیرا استان کرمانشاه فاقد کارخانه‌های بزرگ تولیدی می‌باشد) مانع سوم A4 با مقدار ۰,۰۲۴۹) همین مواد تولیدی از صنایع را می‌توان به محصولاتی چون چسب، رنگ، لاستیک، کود شیمیایی، مواد شوینده تبدیل و روانه بازار کرد اما در استان کرمانشاه کارخانه برای تولید این محصولات وجود ندارد. کرمانشاه دارای ۲۲ شهرک صنعتی با ۴۰۰ واحد صنعتی مستقر است، واحدهای مهم صنعتی در قالب کارخانه‌های استان با توجه به پتانسیل تولید مواد خام در آن بسیار اندک است. ۲۶۰ معدن فعال در استان در قالب قیر طبیعی، سنگ تزئینی، سنگ ساختمانی، خاک صنعتی، سنگ گچ، فلدسپات و ... وجود دارد که این تعداد صنایع و کارخانه‌های برای استان کرمانشاه با ظرفیت بالای تولید مواد خام بسیار اندک است. به‌طور مثال ۷۰ درصد قیر طبیعی کشور در استان کرمانشاه تولید می‌شود که به علت نبود مراکز فرآوری و تبدیل به‌صورت خام به دیگر نقاط صادر می‌شود. هشتاد درصد از زیتون استان خام فروشی می‌شود درحالی‌که اگر فرآوری شود ۵ برابر افزایش قیمت می‌یابد).

تمام موارد فوق منجر به رشد و افزایش بیکاری (عامل A15 با مقدار ۰,۲۴۲) در سطح استان شده است. طی دهه گذشته بیشترین آمار بیکاری رسمی مربوط به استان کرمانشاه است و باید در نظر داشت که در آمارهای رسمی افرادی که یک روز و یا چند ساعت در هفته کار می‌کنند نیز جزو شاغلین می‌باشند، با نظر به این مطلب باید گفت همچنان نرخ بیکاری استان کرمانشاه در دهه گذشته بیشتر از میانگین کشوری است. طبق گزارش طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۸ نرخ بیکاری کشور بین ۱۰,۴-۱۰,۹ می‌باشد و این در حالی است که نرخ بیکاری کرمانشاه ۱۳,۵-۱۷,۸ است و بالاترین نرخ بیکاری کشور بوده است. اگرچه بر اساس آمارهای رسمی طی سال ۱۳۹۸ حدود ۲۱ هزار شغل در استان ایجاد شده اما در واقع به شکل عینی شاهد افزایش نرخ بیکاری در استان بوده‌ایم، تعطیلی کارخانه‌های فعال، نبود صنایع مادر، مدیریت نادرست منابع، کمبود بودجه، مخاطرات طبیعی و ... از جمله عواملی هستند که باعث شد بیکاری در استان به اوج برسد و بسیاری از نیروهای تحصیل کرده راهی استان‌های دیگر شوند و این در حالی است که بیش از نیمی از افراد جویای کار در استان که باقی مانده‌اند نیز تحصیل‌کردگان دانشگاهی می‌باشند. نرخ فلاکت در استان نیز از سال ۹۷ به ۹۸ بیشتر شده و کرمانشاه بیشترین تورم رو در میان استان‌های ایران داشته است (www.daraian.com). مانع بعدی که در اولویت پنجم قرار دارد مربوط به فاکتور A7 با مقدار ۰,۰۲۲۱ است، این عامل مربوط به عدم سرمایه‌گذاری و مشکلات مربوط به آن است. کرمانشاه با مزیت‌های فراوانی که دارد فرصت‌های بکری برای سرمایه‌گذاری پیش روی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی قرار داده، اما متأسفانه تاکنون مسئولان اقتصادی استان نتوانسته‌اند آن‌طور که باید این فرصت‌ها را معرفی کنند. کرمانشاه یک استان مرزی است که دارای مرز بین‌المللی است که از نظر منابع طبیعی و انسانی در وضعیت مطلوبی است اما سرمایه‌گذاری در استان برای ایجاد صنایع مانند کارخانه فرآوری چغندر، واحد تبدیل گاز طبیعی به پلی پروپیلن (GTPP)، سنگ تزئینی، کارخانه قطعات خودرو، کارخانه‌های پودر شوینده (با توجه به اینکه واحد پتروشیمی بیستون تولیدکننده LAB است) می‌تواند به سرعت سطح توسعه استان را ارتقا بخشد اما چرا در کرمانشاه سرمایه‌گذاری داخلی و به‌ویژه خارجی صورت نمی‌گیرد؟ چون فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های کلان در کرمانشاه مانند استان‌های بزرگ دیگر کشور فراهم نیست و این استان پروژه‌های بزرگ ندارد که شرکت‌های ممتاز و رتبه یک در آن مشغول به فعالیت شوند و در صورت تأخیر در برگشت سرمایه، خسارت سرمایه‌گذار به دلیل بزرگی پروژه جبران شود. روند بوروکراسی در استان کرمانشاه اجازه سرمایه‌داری را گرفته است. بسیاری از سرمایه‌گذاران گله‌دارند که در روند مناقصه و برنده شدن در پروژه‌های استان با مشکل مواجه هستند، به‌طوری‌که یکی از سرمایه‌گذاران (پرویز رضایی) می‌گوید: "با داشتن چندین رتبه یک در دنیا و گرفتن پروژه‌های بزرگ، برای کرمانشاه اجازه فعالیت به شرکت ما داده نشد. در مناقصه خط مترو کرمانشاه با حداقل قیمت برنده شدیم، ولی متأسفانه این پروژه را به ما ندادند و دیگر در مناقصه‌های کرمانشاه شرکت نکردیم". نبود انسجام بین ادارات و دستگاه‌های دولتی برای دریافت مجوزهای ضروری و به‌موقع به‌منظور انجام

پروژه‌ها نیز عامل مهم دیگر است. در بخش کشاورزی نیز دستورهای غیر کارشناسی در مورد صادرات کالاهای کشاورزی، نبود تکنولوژی مدرن در فرایند فراوری محصولات بخش کشاورزی، نبود ادوات تولیدی برای صنایع تبدیلی و ... را از جمله عواملی دانسته‌اند که باعث می‌شود روند سرمایه‌گذاری در کرمانشاه با موانع و مشکلات فراوانی همراه باشند و مسیر توسعه در استان را ناهموار نمایند (<http://newspaper.hamshahrionline.ir>).

ب) بررسی رابطه بین فاصله تا مرکز و میزان توسعه انسانی

برای بررسی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه شاخص مدل توسعه انسانی استفاده شد در ابتدا بر اساس آمارهای موجود اخذشده از سازمان آمار و اطلاعات استانداری کرمانشاه تا سال ۱۳۹۵ شاخص‌های توسعه‌یافتگی برای هر شهرستان به صورت مجزا محاسبه شد در این راستا از نرم‌افزار اکسل و SPSS برای محاسبات کمک گرفته شد. در این تحقیق نیز پارامترهای در دسترس برای پژوهش گزینش شد (جدول ۳-۳).

جدول ۲. شاخص‌های محاسبه‌شده برای این پژوهش در توسعه انسانی

شاخص	پارامترها
اقتصادی	قدرت خرید بر اساس سرانه GNI- نرخ کلی اشتغال- نرخ اشتغال زنان- نرخ بیکاری
آموزشی	نرخ باسوادی جمعیت شش سال به بالا- نرخ باسوادی زنان- تعداد کلاس درازای هر صد دانش‌آموز.
بهداشتی-درمانی	امید به زندگی در بلو تولد- نسبت مرگ‌ومیر مادران- تعداد مراکز بهداشتی و درمانی- درصد مسکن دارای آب‌لوله‌کشی بهداشتی- تعداد پزشکان- امید به زندگی مردان- امید به زندگی زنان
خدماتی	تعداد کتابخانه- تعداد بانک- تعداد واحد پست- سرانه پارک عمومی
زیرساختی	طول راه به ازای هر صد کیلومتر مربع- درصد خانوار دارای برق- درصد خانوار دارای گاز- درصد خانوار دارای تلفن ثابت- درصد راه آسفالت روستایی.

پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و اندازه‌گیری شاخص برحسب معیار HDI نتایج ذیل حاصل شد (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های توسعه انسانی شهرستان‌های کرمانشاه

شهرستان	اقتصادی		آموزشی		بهداشتی		خدماتی		زیرساختی	
	HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij
اسلام‌آباد	۰/۶۸	۰/۳۲	۰/۶۷	۰/۳۳	۰/۷۸	۰/۲۲	۰/۸۶	۰/۲۴	۰/۶۳	۰/۶۴
پاوه	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۵۵	۰/۴۵	۰/۶۸	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۶۵
ثلث	۰/۲۹	۰/۷۱	۰/۵	۰/۵	۰/۲	۰/۹۸	۰/۱۸	۰/۸۲	۰/۲۷	۰/۸۳
جوانرود	۰/۴۷	۰/۵۳	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۲۳	۰/۷۷

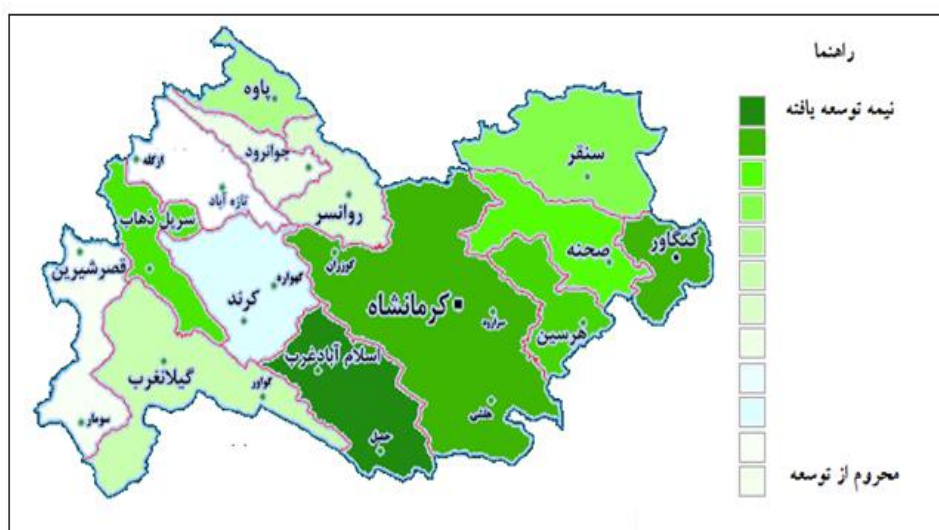
شهرستان		اقتصادی		آموزشی		بهداشتی		خدماتی		زیرساختی	
		HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij	HDI	Ij
دالاهو	۰/۶۱	۰/۳۹	۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۳	۰/۷
روانسر	۰/۴۷	۰/۵۳	۰/۴۳	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۵۹	۰/۴۱	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۲۷	۰/۸۳
سرپل ذهاب	۰/۱۸	۰/۸۲	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۸۲	۰/۱۸	۰/۴۲	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۶۶
سنقر کلایی	۰/۴	۰/۶	۰/۳۶	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۶۹	۰/۳۱	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۳۴	۰/۶۶
کرمانشاه	۰/۴۴	۰/۵۶	۰/۲۶	۰/۶۴	۰/۲۶	۰/۷۹	۰/۲۱	۰/۸۳	۰/۲۷	۰/۳۸	۰/۶۲
کنگاور	۰/۳۹	۰/۶۱	۰/۴	۰/۶	۰/۴	۰/۷	۰/۳	۰/۶۳	۰/۳۷	۰/۳۹	۰/۶۱
گیلان غرب	۰/۳۱	۰/۶۹	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۶۴	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۳۶	۰/۶۴
صحنه	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۴۶	۰/۵۴	۰/۴۶	۰/۸۷	۰/۲۳	۰/۷۱	۰/۲۹	۰/۳۶	۰/۶۴
قصر شیرین	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۶۷	۰/۳۳	۰/۵	۰/۵	۰/۳۶	۰/۶۴
هرسین	۰/۳	۰/۷	۰/۴۷	۰/۵۳	۰/۴۷	۰/۷۲	۰/۲۸	۰/۷	۰/۳	۰/۱۹	۰/۸۱

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول، شاخص‌های توسعه اقتصادی در هیچ‌یکی از شهرستان‌های استان در حد توسعه یافته نبوده و کلیه شهرستان‌ها در رده توسعه متوسط و محروم از توسعه هستند (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص ابعاد مختلف توسعه شهرستان‌های استان کرمانشاه

درجه توسعه یافته	محروم	نیمه توسعه یافته	توسعه یافته
اقتصادی	ثلاث باباجانی - جوانرود - دالاهو - صحنه - قصر شیرین	پاوه - اسلام‌آباد - روانسر - سرپل ذهاب - سنقر - کرمانشاه - کنگاور - گیلان غرب - هرسین	
آموزشی	ثلاث باباجانی - گیلان غرب - قصر شیرین	پاوه - اسلام‌آباد - روانسر - سرپل ذهاب - سنقر - کرمانشاه - کنگاور - هرسین - دالاهو - صحنه - جوانرود	
بهداشتی	ثلاث باباجانی - دالاهو	اسلام‌آباد - پاوه - جوانرود - روانسر - سرپل - سنقر - کرمانشاه - کنگاور - گیلان غرب - صحنه - قصر شیرین - هرسین	
خدماتی	ثلاث باباجانی - دالاهو - سرپل ذهاب - سنقر - گیلان غرب - قصر شیرین	اسلام‌آباد - پاوه - جوانرود - روانسر - کرمانشاه - کنگاور - صحنه - هرسین	
زیرساختی	ثلاث باباجانی - دالاهو - سرپل ذهاب - سنقر - گیلان غرب - قصر شیرین - پاوه - جوانرود - روانسر - کرمانشاه - کنگاور - صحنه - هرسین	اسلام‌آباد	

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، هیچ‌یک از شهرستان‌های استان کرمانشاه از نظر شاخص‌های توسعه HDI، جزو مناطق توسعه‌یافته نیستند و همگی در برخی از زمینه‌ها یا نیمه توسعه‌یافته و یا محروم هستند، پس از دستیابی به مقدار مجموع شاخص‌ها در نرم‌افزار ArcGis، نقشه پراکندگی ترسیم شد (شکل ۲)



شکل ۲. توزیع میزان مجموع توسعه شاخص‌های انسانی در استان کرمانشاه به تفکیک شهرستان

پس از دستیابی به مقادیر مجموع شاخص‌های توسعه انسانی و فاصله تا مرکز استان، از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شد، متغیر مستقل فاصله از مرکز و متغیر وابسته شاخص‌های توسعه انسانی است، ضریب همبستگی اسپرمن در Spss محاسبه شد (جدول ۵).

جدول ۵. همبستگی اسپرمن میان عامل فاصله و توسعه‌یافتگی انسانی

Correlations			
		توسعه شاخص انسانی	فاصله تا مرکز استان
شاخص‌های توسعه انسانی	Pearson Correlation	۱	-۰.۶۹
	Sig. (2-tailed)		۸۱۴
	N	۱۴	۱۴
فاصله تا مرکز استان	Pearson Correlation	-۰.۶۹۰	۱
	Sig. (2-tailed)	۸۱۴	
	N	۱۴	۱۴

نتایج همبستگی نشان داد که مقدار r بین توسعه انسانی و فاصله از مرکز $0,069$ می‌باشد، این مقدار نشان‌دهنده همبستگی قوی میان متغیرها می‌تواند باشد، این همبستگی از نوع منفی می‌باشد یعنی با افزایش یک متغیر مستقل، متغیر وابسته دچار کاهش می‌شود و بالعکس. اما با مراجعه به مقدار sig مشخص شد که برابر با $0,814$ بوده و این مقدار که از $0,05$ بیشتر است نشان‌دهنده آن است که فرض صفر پذیرفته می‌شود پس رابطه‌ای میان میزان توسعه‌یافتگی و فاصله وجود ندارد و همبستگی به‌دست‌آمده در نمونه قابل‌تعمیم به جامعه آماری نیست. نکته: ذکر این نکته ضروری است که مقادیر آماری موجود مربوط به سال 1395 است و آمار جدید از آن در اختیار محقق قرار نگرفت، لذا باید خاطر نشان کرد که وقوع زلزله در شهرستان سرپل ذهاب ممکن است بسیاری از معادلات و شاخصه‌های انسانی را تحت تأثیر قرار داده باشد. با مراجعه به نقشه و هم‌چنین مقادیر جدول هم می‌توان این مسئله را مورد تأیید قرار داد، به‌طور مثال شهرستان کرمانشاه که خود مرکز استان است از نظر شاخص توسعه‌یافتگی در سطح نیمه توسعه‌یافته با مقدار $0,620$ می‌باشد که این مقدار اختلاف چشمگیری با سایر شهرستان‌های استان ندارد، و شهرستان اسلام‌آباد غرب با فاصله 67 کیلومتر از مرکز استان در مجموع شاخص‌های توسعه انسانی در بالاترین رتبه قرار دارد (مقدار $0,704$)، شهرستان‌های هرسین، صحنه و روانسر که از نظر بعد مسافتی تقریباً به یک اندازه هستند (به ترتیب $08-62-64$) اما این سه شهرستان از نظر توسعه‌یافتگی در رتبه‌های مشابه نیستند و شهرستان روانسر در رتبه دهم بوده ولی شهرستان کنگاور در رتبه چهارم قرار دارد (مقدار شاخص توسعه: $0,586$)، هم‌چنین کنگاور و دالاهو هر دو 102 کیلومتر از مرکز استان فاصله دارند اما اختلاف چشمگیری میان مقادیر شاخص‌های توسعه انسانی در هر دو مورد مشاهده می‌شود کنگاور در رتبه سوم و دالاهو در رتبه سیزدهم قرار دارد، شهرستان ثلاث باباجانی که 81 کیلومتر از مرکز استان فاصله دارد و از شهرستان‌های پاره، قصر شیرین و جوانرود به مرکز استان نزدیک است اما کمترین میزان توسعه‌یافتگی را دارد ($0,288$)، و در نتیجه بیشترین محرومیت را در سطح استان دارا است. پس فاصله نتوانسته یک عامل مهم در شکل‌گیری توسعه شهرستان‌های استان باشد. با توجه به نقشه (شکل ۲) مشخص است که سطح نیمه توسعه‌یافته استان، بیشتر متمایل به شهرستان‌های شرقی است، شهرستان‌های غربی از محرومیت بیشتری برخوردارند، علت این مسئله با توجه به همبستگی پیرسون ارتباط عمیقی با بعد فاصله ندارد و باید پاسخ را در عوامل دیگری چون حساسیت‌های منطقه، سیاست‌های نادرست، نگاه مغرضانه، مسائل امنیتی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری و موارد دیگر نسبت داد.

ج) مهم‌ترین استراتژی‌های مؤثر در پیشبرد توسعه استان

در گوشه و کنار ایران شاهد اعمال سیاست‌هایی هستیم که متناسب با منطقه نیست و این مناطق را از پتانسیل‌های آن استفاده‌نشده است و منطقه به‌صورت بکر رها شده و محرومیت منطقه را در پی داشته است. در اکثر موارد عدم آشنایی مسئولین با توانمندی‌ها محدودیت‌ها یک منطقه علاوه بر عدم توسعه باعث نابودی و تخریب محیط‌زیست افزایش

مهاجرت و غیره می‌شود. در راستای انجام پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای (شامل استفاده از مطالعات پیشین شامل پروژه‌های عمرانی، مطالعات موردی، طرح‌های مطالعاتی، گزارش ارگان‌های دولتی و دست‌اندرکار، مقالات علمی پژوهشی و غیره) و همچنین مطالعات میدانی، کلیه عوامل مؤثر به صورت بالقوه و بالفعل در قالب ماتریس‌های چهارگانه مدل سوات یعنی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت و ضعف‌ها با دیدگاه جغرافیای سیاسی بر شمرده شد (پیوست ۱). پس از تعیین عوامل داخلی و خارجی (ST-SO-WO-WT)، گروه خبرگان برای ارزش‌گذاری به هریک از عوامل اقدام نمودند، سپس مراحل شامل مقایسه دوجه‌دویی، تعدیل اوزان، رتبه دهی، امتیاز وزنی برای هریک از عوامل چهارگانه، در ادامه تدوین استراتژی انجام شد (جدول ۶)

جدول ۶. تدوین استراتژی‌ها

امتیازها	تهدید	فرصت	ضعف	قوت
۴-۳	WT4 WT10	OT1	WO2	SO2
۲،۹۹-۲	WT1 WT3	OT3	WO1	SO1 SO5
۱،۹۹-۱	WT6 WT11	OT2		SO4

در مرحله بعدی ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌بندی اجرایی بخش‌های مختلف به صورت نمودار ۹ گانه جداگانه ترسیم شد (جدول ۷)

جدول ۷. امتیاز نهایی ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

عوامل خارجی				عوامل داخلی
۴-۳	۲،۹۹-۲	۱،۹۹-۱		
WT2 WT4 OT1	SO2 WT11	SO1	۱،۹۹-۱	
WT10 OT3	SO3 WT6	SO4	۲،۹۹-۲	
WT1	SO5	WO1 OT2	۴-۳	

در این پژوهش عوامل WT4 یعنی معضل تعطیلی کارخانه‌ها و نبود تأسیسات زیربنایی و همچنین عامل WT10 یعنی نبود سرمایه کافی و فقر عمومی، هم‌چنین OT3 یعنی نیروی کار فراوان در خانه اول قرار دارند.

- لذا بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که استراتژی‌های اساسی که باید برای کرمانشاه به اجرا دربیایند در خصوص نقاط ضعفی است که در صورت برطرف نشدن به یک تهدید عمده در توسعه منجر می‌شود
- احیای مجدد کارخانه‌های تعطیل، کارگاه‌ها و صنایع تولیدی و همچنین ایجاد تأسیسات زیربنایی
 - جذب سرمایه‌گذاری در استان و ارتقای مشاغل
 - جذب نیروی کار در فرایند توسعه و به‌کارگیری نیروی بومی
- در صورت هدایت مناسب این عوامل می‌توانند از تهدید به فرصت تبدیل شوند.

قطب‌های چهارگانه	عوامل اقتصادی	عوامل طبیعی و گردشگری	عوامل جغرافیایی و سیاسی
قوت (S)	نیروی کار فراوان-وجود بازارچه‌های مرزی- وجود گمرکات و پایانه مرزی بین‌المللی-وجود معادن مختلف با ذخیره معدنی فراوان- صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی- میدان‌ها نفتی و گازی-وجود تأسیسات زیربنایی (مانند فرودگاه، بزرگراه، راه‌آهن و... -وجود مناطق ویژه اقتصادی مانند قصر شیرین و اسلام‌آباد	منابع آبی مناسب سطحی و زیرزمینی- خاک و شرایط اقلیمی مناسب و دست حاصل خیز- سایت‌های گردشگری تاریخی- مذهبی-فرهنگی- طبیعی	موقعیت جغرافیایی استراتژیک به‌عنوان مرکز غرب کشور-مرز بین‌المللی-مسیر ارتباطی به اماکن مقدس عراق-همسایگی با دولت فدرال کردستان
فرصت (O)	ادامه مسیر راه‌آهن تا عراق و تبدیل به راه‌آهن بین‌المللی- تبادل صنایع دستی و تبدیل آن به یک صنعت با توجه به فرهنگ مشترک در دو سوی مرز- صادرات محصولات فرآوری شده استانی به عراق- ایجاد صنایع آب بر- تبادل انرژی برق استان با عراق دسترسی آسان به بازار عراق توسعه گردشگری پزشکی	منابع آبی مناسب سطحی و زیرزمینی- خاک و شرایط اقلیمی مناسب و دست حاصل خیز- سایت‌های گردشگری تاریخی- مذهبی-فرهنگی- طبیعی	موقعیت جغرافیایی استراتژیک به‌عنوان مرکز غرب کشور-مرز بین‌المللی-مسیر ارتباطی به اماکن مقدس عراق-همسایگی با دولت فدرال کردستان
ضعف (W)	نبود بودجه مشکلات قانونی در احداث سایت‌های گردشگری عدم معرفی پتانسیل‌های اقتصادی استان فقر عمومی بومی نکردن نیروی کار نبود سرمایه‌گذاری خارجی خام فروشی محصولات استان تعطیلی صنایع و شهرک‌های صنعتی در استان	نبود بسترهای مناسب برای گردشگری	عدم وجود برنامه‌ریزی و هماهنگی مسئولان و دستگاه‌های اجرایی

عوامل اقتصادی	عوامل طبیعی و گردشگری	عوامل جغرافیایی و سیاسی	قطب‌های چهارگانه
عدم بازاریابی برای محصولات استانی ضعف امکانات پشتیبانی بیکاری با نرخ بسیار بالا خروج منابع آبی از سطح استان	وقوع زلزله‌های با ریشتر بالا در استان خشک‌سالی	سیر صعودی مهاجرت به مرکز استان چنددستگی در فضای استان وجود قومیت‌های مهاجر در سطح استان به ویژه مرکز استان وجود نامنی به‌زعم مسئولین جایگاه ضعیف استان در نظام منطقه‌ای	تهدید (T)

به‌طور کلی، استانی نزدیک به ۲ میلیون نفر تنها در ناحیه صنعتی دارد در برخی از شهرستان‌های استان نیز مانند ثلاث باباجانی و جوانرود و قصر شیرین هیچ شهرک صنعتی وجود ندارد. از مجموعه ۴۱۶ واحد صنعتی در استان وجود دارد که از این تعداد بخش عظیمی از آن‌ها تعطیل شده‌اند و از ۵۰ واحد صنعتی مهم تنها ۱۲ واحد صنعتی در ۱۳ شهرستان قرار دارد و بقیه واحد آن در شهرستان کرمانشاه مستقر هستند. برای مثال از ۲۳ واحد تولید صنایع لبنی است که واحد آن با ۳۰ درصد ظرفیت خود در حال تولید است. بسیاری از کارخانه‌های استان توسط بانک و یا طلبکاران تملک شده و دیگر فعالیتی ندارند. تعطیل شدن کارخانه‌ها در واحد تولیدی به منابع مکتوب و گزارش‌ها محدود نمی‌شود مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته کارخانه تولید فرش، صنایع غذایی (ماکارونی و...)، سرامیک، و غیره و تعطیلی بخش عمده از شهرک صنعتی فرامان از دستاوردهای سیاست‌های نادرست و مغرضانه مسئولین کشوری و استانی در حق مردم استان کرمانشاه است. خروج این حجم از کارخانه‌های از چرخه تولید عواقب بسیار مهلکی را به همراه داشته است از جمله: بیکاری، فقر اقتصادی، تورم، مهاجرت، خشونت، طلاق، اعتیاد و... استراتژی مناسب در این زمینه راه‌اندازی مجدد کارخانه‌ها و کارگاه واحدهای صنعتی در استان با جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی (البته در صورت رفع موانع دست و پاگیر و عمدی برای تجارت غیردولتی، پایان تملک غیرقانونی بانک‌ها بر کارخانه‌های امکان‌پذیر خواهد بود. استراتژی دوم جذب سرمایه‌گذاری در استان خواهد بود و موقعیت استراتژیک استان کرمانشاه به‌گونه‌ای است که در صورت حذف نگاه‌های مغرضانه و سیاست‌های نادرست حکومتی بر آن به‌راحتی می‌تواند به یکی از کانون‌های جذب سرمایه داخلی و خارجی تبدیل شود. مرز بین‌المللی با دولت عراق و کردستان و وجود منابع فراوان طبیعی - انسانی، فرهنگی و غیره عواملی است که به‌راحتی با یک برنامه‌ریزی درست و قوانین مناسب می‌تواند از یک تهدید به فرصت

تبدیل شود. وجود کار فراوان در استان کرمانشاه به جای آنکه یک فرصت طلایی باشد یک تهدید عمده محسوب می‌شود. آمار بیکاری در استان بسیار بالا از که این مسئله ناشی از نبوده فرصت‌های شغلی در کشور و استان است

۷. نتیجه‌گیری

در جهان کنونی توسعه همه‌جانبه با سرعتی بسیار زیاد در حال گسترش است و گستره عظیم بشری را در تمام نقاط عالم تحت تأثیر قرار داده است. در کشور ایران نیز توسعه همه‌جانبه و حتی توسعه تک‌بعدی نیز در همه استان‌ها و شهرها یکسان نبوده است. به‌مانند بسیاری از نقاط دنیا، پایتخت همواره سهم بیشتری از توسعه را دریافت نموده، استان کرمانشاه در نوار مرزی غرب ایران به مرکزیت ناحیه غربی، دارای جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر است. این استان که از دیرباز یک گستره جغرافیایی مسکونی بوده و قاعدتاً باید از نظر توسعه در شرایط مطلوبی به سر ببرد اما کاملاً برعکس است و از نظر سطح توسعه حتی از استان‌هایی با پتانسیل کمتر مانند استان‌های ناحیه داخلی ایران (اصفهان، یزد، کرمان، سمنان) و یا استان‌های مرزی مانند خود (آذربایجان شرقی) در حد بسیار پایینی است. این در حالی است که استان کرمانشاه از موقعیت جغرافیایی - ژئوپلیتیکی بسیار مناسب، اقلیم چهارفصل، منابع آب سطحی و زیرزمینی، خاک و دشت‌های حاصل خیر، ذخایر معدنی غنی، نیروی کار جوان و تحصیل کرده، جنگل بلوط، آثار فرهنگی و تاریخی و ... بسیاری برخوردار است که می‌توان به جرات گفت این پتانسیل‌ها به‌طور هم‌زمان در کمتر فضای جغرافیایی قابل مشاهده است، اما با این همه، سهم این استان و شهرستان‌های آن از نعمت توسعه بسیار اندک است. به‌طور کلی استان کرمانشاه استانی کم برخوردار است؛ به‌رغم اهمیت سیاسی، جغرافیایی و تاریخی، استان کرمانشاه از بعد زیرساختی و اشتغال و سایر ابعاد اقتصادی و فرهنگی دارای سطح خاصی از توسعه نیست. در پیشبرد اهداف توسعه استان کرمانشاه موانع زیادی وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کمبود بودجه (جهت انجام و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، زیرسازی صنایع و واحدهای تولیدی و احداث و صنایع جدید، طرح‌ها و پروژه‌های شهری و ...) اشاره کرد که همین عامل زمینه‌سازی وقوع مشکلات دیگر در توسعه استان است. به‌گونه‌ای که به دنبال کمبود بودجه با کاهش فعالیت واحدهای تولیدی، کاهش اشتغال و ... روبرو شده‌ایم. از سوی دیگر همین توسعه ضعیف در سطح استان هم یکسان توزیع نشده است، شهرستان‌های نیمه غربی استان بهره بسیار کمتری از فرایند توسعه دریافت کرده‌اند. هم‌چنین به نظر می‌رسد که این بهره‌مندی از توسعه رابطه‌ای با دوری و نزدیکی به مرکز استان ندارد به‌گونه‌ای که برخی از شهرستان‌هایی که در فاصله دورتر قرار دارند سهم مناسب‌تری از شاخص‌های توسعه انسانی دریافت کرده‌اند. شاید عامل مرز و عوامل قومی مذهبی به‌عنوان مانعی پررنگ هم بر توسعه استان و هم بر توسعه در داخل استان تأثیرگذار بوده است. بنابراین شاید برخلاف فرایند معمول که بین فاصله از مرکز و توسعه پیوندی برقرار است این مسئله در خصوص استان کرمانشاه صدق نکند. درنهایت بر اساس پتانسیل و ضعف‌های استان می‌توان فرصت‌های جدیدی را شناسایی و مانع تبدیل شدن ضعف‌ها به یک تهدید عمده شد. بهترین استراتژی در این زمینه احیای

واحدهای صنعتی تعطیل و صنایع زیربنایی باشد تا بتوان از حجم فزاینده بیکاری در استان که عامل مشکلات بی‌شمار است، کاست. به‌طور کلی، از دید جغرافیای سیاسی، استان کرمانشاه به توسعه‌ای که شایستگی آن را داشته است دست نیافته است؛ علل این عدم توسعه تاریخی و سیاسی بوده است. به‌رغم اهمیت استراتژیک، سیاسی و توان محیطی این استان، از نگاهی فضایی و با توجه به تفاوت‌ها و تشابهات جغرافیایی و سیاسی که توسط ریچارد هارتشورن به‌عنوان جغرافیای سیاسی تعریف می‌گردد نابرابری‌های ناحیه‌ای هم در داخل استان و هم در خصوص خود استان وجود دارد. بازیگران دولتی و غیردولتی به‌دلایلی چند همانند مرزی بودن، بحث امنیت، تنوع قومی و مذهبی (استان کرمانشاه به هندوستان ایران معروف است)، دوری از پایتخت و... تمایلی به سرمایه‌گذاری و توسعه استان نداشته‌اند. از نگاهی همه‌جانبه، استان کرمانشاه پیشرفت چندانی نداشته است. راه‌های ارتباطی، اشتغال، صنایع، بخش‌های خدماتی، تبدیلی، تولیدی، بسته‌بندی، زیرساخت‌ها و سایر فاکتورها در سطح بالایی نمی‌باشد. برخی از شهرستان‌ها همانند منطقه اورامانات که از جاذبه‌های گردشگری فراوانی برخوردار است هنوز دارای راه‌های ارتباطی قدیمی می‌باشند و از مشکل راه‌های ارتباطی و سایر امکانات در جذب گردشگر برخوردارند و در ابتدای مسیر توسعه می‌باشند؛ این در حالی که این منطقه امسال به‌عنوان میراث جهانی توسط یونسکو معرفی گردید. صنایع قابل توجهی در هیچ‌یک از شهرستان‌ها گسترش نیافته است. می‌توان گفت که هیچ‌یک از شهرهای استان حتی مرکز استان دارای موقعیت صنعتی نیست. در بُعد فرهنگی نیز حرف چندانی برای گفتن ندارد. فرهنگ سیاسی و نهادها و نمادهای فرهنگی نشانی از پیشرفت نمی‌دارد؛ گرچه تغییرانی وجود داشته است اما لازم و کافی نیست.

کتابنامه

1. Akhbari, M., Khamparvar, A., & Bazleh, A., (2015). An explanation of Sustainable Political Development, Case Study: Iran. the Journal of Geopolitics, 11(3), 33-58. [In Persian]
2. Alisdair Rogers, A., Castree, N., & Kitchin, R., (2013). A Dictionary of Human Geography. Oxford: Oxford University Press .
3. Amin Bidokht, A.A., (2006). The Ranking in Level of Development among Counties of Semnan Province, the Journal of Progress in Geographical Education, 21(1), 16-23. [In Persian]
4. Amini, M.S., & Khaledi, K., (2009). Measuring and analyzing the development level of rural areas in Kurdistan province using factor analysis and numerical taxonomy methods, The Journal of Agriculture and Development, 17(67), 179-21. [In Persian]
5. Arabi, H. & Lashkari, A., (2004). Development in the mirror of developments. Tehran: SAMT Publication. [In Persian]
6. Asaiesh, H., (2004). The Principals and Methods of Rural Planing. Tehran; University of Payame Noor Publications. [In Persian]
7. Chambers (2014). The Chambers Dictionary (13th Edition): The English dictionary of choice for writers, crossword setters and word lovers. , London: John Murray Press.

8. Eversole, R., (2014). knowledge partnering for community development. London: Routledge.
9. Fahtolahi, J., Kafili, V., & Tagizadeh, A.(2017). The development gap of Iran's provinces. The Journal of Development and Planning Economy, 5(9),99-118.[In Persian]
10. Fani, Z., (2014). Small cities: another approach in regional development. Tehran: Azarakhsh Publication.[In Persian]
11. Ghalibaf, M.B., & MirzadehKohshahi, M.,(2009). Causes and obstacles to the development of Abu Musa Island. The Journal of Geography, 7(20- 21), 7-24.[In Persian]
12. Gharabaghian, M., (2004). The Economics of Development and Progress. Tehran: Ney Publicatio.[In Persian]
13. HoseinZadeh Dalir, K., (2014). Regional Planing. Tehran: SAMT Publication..[In Persian]
14. Izadi, R., (2017). The role of Security in Sustainable Development of Borderland Cities, Case Studey: Torbate Jam. Msc dissertation, Payme Noor University, Tos Center. [In Persian]
15. Khakpoor, B., & Bavanpoori, A.,(2009). Investigation and analysis of inequality in the development levels of Mashhad city areas. The Journal of Science and Development, 16(27), 182-202.[In Persian]
16. Manochehri, B., & Shia, E., (2013). Stratification of the level of socio-economic development of North Khorasan province using TOPSIS model. Urban Manegement Studies, 5(15), 73-84. .[In Persian]
17. Mohammad, M., & Silong, A.D., (2010). leadership roles in community development in Malasia. Journal of Global Business Management, 6(2), 1.
18. Mostafae, Y.,(2012). Security of border cities and geopolitical dimensions. National Conference on Border Cities and Security, Challenges and Approaches. Zahedan: University of Sistan and Baluchistan .[In Persian]
19. NazmFar, H., Alibakhshi, A., & Bakhtar, S.,(2015). Spatial analysis of regional development of Kermanshah province using multi-criteria decision making models. Applied Research of Geographical Sciences (Geographical Sciences), 15(36),229-251.[In Persian]
20. Planning Deputy of Kurdistan Provincial Government (2016). Statistical yearbook. [In Persian]
21. RoknodinEftekhari, A., PapoliYazdi, M.H., & Abdi, E., (2009). Evaluating the economic effects of border markets, reflections of the development of border areas; Case study: Sheik Saleh border market, Salas Babajani city, Kermanshah province. The Journal of Geopolitics, 4(12), 82-109.[In Persian]
22. Saadati JafarAbadi, H., (2012). Theoretical foundations and theoretical perspectives in the security and development of border cities. National Conference on Border Cities and Security, Challenges and Approaches, the University of Sistan and Baluchistan. [In Persian]
23. Sae, A., (2009). Educational development and electoral participation: a case study of Iran's ninth presidential election. The Journal of Social Sceince, No 45, 1-23. .[In Persian]
24. saiesh, H., (2004). The Principals and Methods of Rural Planing. Tehran; University of Payame Noor Publications..[In Persian]
25. SardarShahraki, A., Karim, M.H., & Shikhtabar, M. (2012). Determining the development levels of the rural areas of Kamiyaran. The Journal of Village and Development, 16(82), 116- 126.[In Persian]

26. Sarwar, R., Rashidi, A., & Hesari, E., (2012). Measuring the level of development of the economic-social structures of the cities of East Azarbaijan province. *The Journal of Geography*, 10(35), 57-82. [In Persian]
27. Sedigh, M., Sedigh, M., & Akbari, M., (2016). Investigating factors affecting the security of border cities in West Azerbaijan Province . *The Journal of Borderland Technology and Sciences*, 7(2), 1-22. [In Persian]
28. Taghvaei, M., & Bahari, E., (2011). Leveling and measuring the degree of development of the cities of Mazandaran province using the factor analysis model and cluster analysis. *The Journal of Geography and Environmental Planing*, 23(4), 15-38. [In Persian]
29. Todaro, M., (2012). *Economic development in the third world*. Tehran: Kohsar Publisher.. [In Persian]
30. Zarabi, A., Baba Zali, N., & SajadiAsel. A., (2017). Identifying the key factors affecting regional underdevelopment (case study: Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces). *The Journa of regional Planning*, 7(26), 25-41. [In Persian]